اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**عرض شد که این بحث‌های فهرستی راجع به اصل کتاب و نسخه‌های کتاب و مقابله‌ی نسخه الی آخر جمله‌ای از فوائد این نسخه شناسی الان هم خوب خود شما اهل این معنا هستید الان هم متعارف است نسخه شناسی یک کار جدیدی نیست لکن نسخه شناسی که الان شما دارد غالبا نسخه‌های موجود را با هم مقابله می‌کنید این نسخه ، این نسخه شناسی که ما می‌گوییم نسخی است که با اجازات و اسانید به ما رسیده مشکل کار این است یعنی اگر آن کتاب حسین بن سعید مقابل ما بود خیلی راحت تر بود با اجازات و اسانید این کتاب به ما رسیده است این نسخ با اجازات و اسانید به ما رسیده این را داریم مقابله می‌کنیم این کار را مشکل می‌کند مشکل کار این است نه اینکه یک نسخه‌ای در خارج باشد .**

**به هر حال اجمالا تا اینجا من فکر می‌کنم یک فوارقی ما بین یعنی یک دفعه ما فقط سند را نگاه می‌کنیم که عرض کردیم الان متعارف است مخصوصا حوزه‌های ما بعد از علامه این شده سند را نگاه می‌کنیم یک دفعه نه غیر از سند نکات دیگری هم هست خود وضع کتاب تاریخ کتاب بعد این از کجا آورده خود ایشان چه کاره است بعد این نسخه چطوری است نسخ دیگری دارد ندارد اینها را هم یکی یکی بررسی می‌کنیم .**

**مثلا راجع به کتاب علاء که همین اخیرا صحبت کردیم چون نمی‌خواستیم دوباره وارد بشویم ولی یک اشاره‌ای بکنم مثلا مرحوم نجاشی را بیاورید عبارت نجاشی را بیاورید ، عبارت نجاشی در مورد علاء بن رزین بگویید کتابش را که من بگویم مطلب چیست . کتاب علاء بن رزین از فهرست نجاشی .**

**یکی از حضار : علاء بن رزین شماره‌ی 811 صفحه‌ی 298 چاپ جامعه مدرسین عن علاء بن رزین القلاء ثقفی مولی قال ابن الفضال**

**آیت الله مددی : القلاء است ، قلاس خواندید ؟**

**یکی از حضار : قلاء ثقفی**

**آیت الله مددی : قلاء قلاء**

**یکی از حضار : ثقفی**

**آیت الله مددی : قلی یعنی سرخ کردن کباب سرخ بکند یقلی السویق سویق عبارت از همین یک حلوایی است که عراقی‌ها خانم‌های عراقی درست می‌کنند یک کمی سیاه رنگ است حلوای ایرانی‌ها یک کمی روشن تر است سویق این است حلوایی است که غذایی است که از به اصطلاح شکر و آرد و روغن گرفته می‌شود این را اصطلاح سویق می‌گویند و این سویق خیلی در روایات تاکید رویش شده یشد الظهر و چنین و چنان و خیلی به قول شوخی یکی از رفقا گفت در طب قدیم خیلی روی جهت مبهی و مدر بحث می‌کنند زیاد روی مبهی و مدر ، مدر زیاد است یکی ادرار یکی آن یکی حالا غرض اینکه این سویق از این جهات دارای امتیاز است کان یقلی السویق یعنی حلوا ساز بود خود این علاء بن رزین .**

**یکی از حضار : در کتاب طبی هم دارد رجوع الشیخین الی الصباح**

**آیت الله مددی : الی الصباح ، بله**

**آن آقای بجنوردی می‌فرمودند من نشنیدم می‌فرمودند وقتی که چاپ شد چون برای یکی از مشایخ ازهر است اصلا پیرمردی بود برای ازهر برداشته نوشته و ایشان لندن ممنوعش کردند به عنوان کتاب فساد ضلال اجازه‌ی نشر در لندن ندادند نمی‌دانم حالا من نقل از آقای بجنوردی می‌کنم که این کتاب به اصطلاح حالا من دیدم کتاب را اما ایشان اینطور نقل می‌کرد .**

**به هر حال بله آقا ؟**

**یکی از حضار : له کتب یرویها ترجمه‌اش را نخواندم وله کتب یرویها جماعة**

**آیت الله مددی : دیدید این مطلبش چقدر دقیق است خوب الان خود ما یک روایتش را چند راه برایش پیدا کردیم در یک روایت واحده‌اش راه‌های متعدد بله**

**یکی از حضار : اخبرنا جماعة**

**آیت الله مددی : عرض کردم جماعة ابن عبدون و مفید و مرحوم ابن غضائری و اینها**

**یکی از حضار : عن الحسن بن حمزة**

**آیت الله مددی : حسن بن حمزه عرض کردم نجاشی که بغدادی است این مشایخ هم برای بغداد هستند این سیر تاریخی اجازات را هم ما از این جهت خیلی لطیف نوشتیم حسن بن حمزه برای ایران است طبری است بغداد آمده مشایخ بغداد از او اجازه گرفتند رابط بین بغداد و ایران است و قم یعنی میراث‌هایی که در قم بوده توسط حسن بن حمزه یک مقدارش رسیده به بغداد یکی‌ هم فهرست ابن بطة که نجاشی از او نقل می‌کند بفرمایید . رفت از اینجا به قم .**

**یکی از حضار : حدثنا محمد بن جعفر**

**آیت الله مددی : محمد بن جعفر ؟ ها این ابن بطة باید باشد بفرمایید .**

**یکی از حضار : عن الصفار عن احمد بن محمد بن عیسی**

**آیت الله مددی : اما محمد بن جعفر نباید باشد ، آن نباید از صفار این محمد بن ابی عبدالله مگر ابن بطة باشد . از احمد بن محمد بن عیسی شاید عبدالله بن جعفر باشد که همان حمیری معروف باشد باز آن هم از صفار نمی‌شود بفرمایید به هر حال**

**یکی از حضار : جسارتا چک کنم شاید این اشتباه باشد . انگار محمد بن جعفر عن الصفار عن احمد بن محمد بن عیسی قال حدثنا الحسن عن العلاء بکتابه آنجا داشت کتب اینجا دارد کتابه .**

**آیت الله مددی : خوب معلوم شد مراد حسن بن محبوب است که یکی از آن نسخی که بود حسن بن محبوب بود که خواندیم آنجا ایشان نسخه‌ی حسن بن محبوب را نقل می‌کند ببینید چقدر قم تاثیر گذار بوده در تنقیح حدیث که این سند را مرحوم نجاشی به جای اینکه برود به کوفه چون ایشان اهل کوفه است دیگر صاف برود به کوفه دیگر از بغداد به کوفه نزدیک تر است دور زده آمده به قم از قم رفته به کوفه یعنی توسط احمد اشعری رفته به حسن بن محبوب دقت می‌کنید ؟**

**اینها همان نکته‌ای است که منشاء شد ما کلمه‌ی فهرست را به کار ببریم یعنی معلوم می‌شود که قمی‌های این مقدار در تنقیح و تصحیح کتب تاثیر گذار بودند به حیثی که می‌توانستند صاف برود به کوفه دیگر مشکل نداشت دیگر از همان بغداد برود به کوفه می‌بینیم دور می‌زند می‌آید به احمد اشعری از حسن بن محبوب که در کوفه است از علاء که در کوفه است محمد بن مسلم هم که کوفی است بفرمایید .**

**یکی از حضار : روایات الان نگاه می‌کنم تک و توکی هست که ابن بطة از صفار نقل کرده است ،**

**آیت الله مددی : پس همان است ابن بطة ، محمد بن جعفر ابن بطة است در اینجا خود حسن بن حمزه هم از او نقل می‌کرد ابن بطة که ابن بطة است دیگر**

**یکی از حضار : در توحید صدوق محمد بن جعفر بن بطة قال حدثنا محمد بن حسن الصفار**

**آیت الله مددی : باید همان باشد قاعدتا باید همان باشد عادتا اوست دیگر چون حسن بن حمزه هم از او نقل می‌کند .**

**یکی از حضار : در خصال هم این سند این است که ابن بطه**

**آیت الله مددی : اما عجیب است خیلی عجیب است مرحوم نجاشی با وجود امکان ذهاب الی کوفه از این سندی که به قول خودش وفی فهرست ما رواه غلط کثیر احتمالا فهرست ابن بطه نقل می‌کند ایشان احتمالا ایشان از فهرست ابن بطه نقل می‌کند اما نقلش درست است چون ما الان نقل احمد اشعری از حسن بن محبوب زیاد داریم حسن محبوب هم از علاء داریم نقل درست است حالا فرض کنید جناب ابن بطه محل اشکال است اما نقل درست است حالا بفرمایید بقیه‌اش را شیخ ، دیگر ندارد مرحوم نجاشی ؟**

**یکی از حضار : خیر ، خدمتتان عرض کنم در خصال سه تا در عیون هم دو تا**

**آیت الله مددی : نه واضح است مطلب واضح است اما بله هست اما به هر حال انصاف قصه خیلی عجیب است یک کتابی به این مشهوری ورواه جماعة ایشان یک طریقی را ذکر کند که درش ابن بطة است که الان آقایان می‌گویند ضعیف است بنا بر مشهور خود نجاشی او را تضعیف کرده ابن الولید هم گفته ضعیف خیلی عجیب است از مرحوم ، با اینکه این کتاب این همه نسخ داشته به قول خودش رواه جماعة باز طریقی را که آورده خیلی صاف نیست .**

**یکی از حضار : احتمال دارد اشتباه باشد کتاب باشد چون می‌گوید آخرش می‌گوید بکتابه نه بکتبه .**

**آیت الله مددی : نه کتاب واحدی است بعید است کتب .**

**یکی از حضار : در فهرست هم این است العلاء بن رزین الغلاء جلیل القدر ثقة له کتاب .**

**آیت الله مددی : بله همین است ، باید همین باشد ، آن کتب چون در خط کوفی قدیم کتب می‌نوشتند کتاب می‌خواندند .**

**یکی از حضار : ببخشید نه خیلی معذرت می‌خواهم این نمی‌تواند باشد به خاطر اینکه دارد له کتب یرویها جماعة .**

**آیت الله مددی : اگر یرویها دارد بله نمی‌شود .**

**یکی از حضار : خلاصه‌ی علامه چون عین نجاشی نقل می‌کنند .**

**آیت الله مددی : نه دیگر حالا این یکی‌اش را برای بحث‌های فهرستی‌اش را عادتا نقل نمی‌کنند ، توصیفات رجالی‌اش را نقل می‌کنند .**

**خوب حالا ببینید اینجا با اینکه شیخ ادق نیست از نجاشی ، حالا می‌خواهیم نکته‌ی دیگری بگوییم شیخ در اینجا طرقش را نوشته له کتاب**

**یکی از حضار : اربع نسخ .**

**آیت الله مددی : اربع نسخ ، یعنی شیخ خیلی عجیب است عادتا نجاشی باید این کار را می‌کرد .**

**یکی از حضار : وهو اربع نسخ .**

**آیت الله مددی : وهو اربع نسخ ، الاولی**

**یکی از حضار : منها روایة حسن بن محبوب .**

**آیت الله مددی : این همانی است که نجاشی آورده حالا بخوانید .**

**یکی از حضار : اخبرنا ابو عبدالله عن محمد بن**

**آیت الله مددی : شیخ المفید ابو عبدالله شیخ است ، این بغدادی بعد بغدادی .**

**یکی از حضار : عن محمد بن علی بن الحسین .**

**آیت الله مددی : این محمد بن علی بن الحسین صدوق پسر ، صدوق معروف .**

**یکی از حضار : عن ابیه**

**آیت الله مددی : صدوق پدر .**

**یکی از حضار : و محمد بن الحسن عن سعد بن عبدالله .**

**آیت الله مددی : محمد بن الحسن عن سعد عن ابیه یعنی مرحوم صدوق از پدرش و از ابن الولید و از سعد نقل می‌کند از هر سه نقل می‌کند نه از سعد مستقیم نقل نمی‌کند .**

**یکی از حضار : عن سعد بن عبدالله .**

**آیت الله مددی : عن سعد بن عبدالله خیلی خوب خیال کردم واو خواندی گفتم واو نقل نمی‌کند بله چون هم پدرش هم مرحوم ابن الولید از سعد نقل می‌کنند نه اینکه صدوق از سعد نقل بکند من واو شنیدم خیال کردم درست است .**

**یکی از حضار : عن احمد و عبدالله ابنی محمد بن**

**آیت الله مددی : عن احمد اشعری که معروف است عبدالله هم بنان همین تازگی هم اسمش را آوردیم بنان . برادری دارد به نام بنان توثیق آن طور بزرگ و صریحی ندارد ایشان جزو کسانی است که رفته به کوفه میراث‌های کوفه را آورده به طرف قم اینها هر دو برادر رفتند هم احمد هم عبدالله رفتند میراث‌ها را ، ببینید تا اینجا قمی است یعنی از صدوق مرحوم شیخ از مفید بغدادی از صدوق قمی پدرش و اینها قمی از احمد و عبدالله قمی بعد عن ابن محبوب .**

**یکی از حضار : نه یک واسطه ، این و احمد بن ابی عبدالله البرقی**

**آیت الله مددی : سه تا شدند .**

**یکی از حضار : و یعقوب بن یزید**

**آیت الله مددی : چهار تا**

**یکی از حضار : و محمد بن الحسین ابن ابی الخطاب .**

**آیت الله مددی : این کوفی است این یکی کوفی است**

**یکی از حضار : و الهیثم ابن ابی المسروق**

**آیت الله مددی : این هم کوفی است .**

**یکی از حضار : عن الحسن بن محبوب عن العلاء**

**آیت الله مددی : این ، خیلی عجیب است شیخ اینجا این قدر طریق به کتاب نسخه‌ی حسن بن محبوب خیلی عجیب است انصافا یعنی عادتا باید نجاشی این کار را می‌کرد علی خلاف القاعده مخصوصا که شیخشان هم یکی است مفید است یعنی اجازه را شیخ مفید به نجاشی هم داده فرق نمی‌کند بفرمایید . خیلی طریق خوبی است هیچ مشکلی ندارد .**

**یکی از حضار : ومنها روایة محمد بن خالد الطیالسی اخبرنا ابن ابی جید اینجا نسخه‌ی بدل در هامش نسخه اضافه شده عن محمد بن الحسن بن الولید عن**

**آیت الله مددی : ابن ابی جید از ابن ولید نقل می‌کند این هم از مشایخ نجاشی است ، نجاشی از این راه هم می‌توانست نقل بکند نقل نکرده است بفرمایید .**

**یکی از حضار : عن محمد بن الحسن الصفار قرب اسناد داشت دیگر یا کمتر است عن محمد بن خالد الطیالسی**

**آیت الله مددی : عن محمد بن خالد الطیالسی عن ؟**

**یکی از حضار : عن ندارد دیگر قاعدتا عنه باید باشد می‌گوید منها روایة محمد بن خالد**

**آیت الله مددی : بله عن آن محمد بن خالد الطیالسی از آن مشایخ عراق به نظرم کوفی باشد آن هم بد نیست حالا محل کلام است اما به هر حال انصافا به نظر ما جزو مشایخ است قابل اعتماد است محمد بن خالد الطیالسی بفرمایید .**

**یکی از حضار : تمهید بوده بله تمهید بوده قاعدتا می‌شود کوفی باشد . بله ببخشید چون فقط کان یسکن فی الکوفة**

**آیت الله مددی : نه می‌گویم کوفی است بله کوفی است ایشان . عجیب است می‌آید تمام این طرق می‌آید به قم می‌آید به کوفه خیلی عجیب است این عظمت قم را نشان می‌دهد ، دقت می‌کنید ؟ واقعا خیلی ما به اسم این عظمت اسمش را گذاشتیم فهرستی سر کلمه‌ی فهرستی ما برای این نقش بزرگی است که ، خوب این کاملا واضح است کتاب برای کوفه است علاء کوفی است حسن بن محبوب کوفی است محمد بن خالد طیالسی کوفی است اینها می‌آیند از قم این مثل همین کاری است که زمان ما شده مثل اینکه مستمسک را نجف تحقیق کردند و چاپ اما یک تحقیق خیلی خوب قم بکنند همه ارجاع بدهند به تحقیق قم به خود تحقیق نجف ارجاع ندهند مثل کتاب آقای خوئی را الان غالبا به تحقیق قم ارجاع می‌دهند به تحقیق ایران ارجاع می‌دهند انصافا اینها نشان می‌دهد که چقدر قم در این جهت موثر بوده اسم این را ما گذاشتیم فهرست این رجال نبوده این اسمش فهرست است این کلمه‌ی فهرست همین که من عرض می‌کنم منشاء اختیار این کلمه این است یعنی واقعا آقایان قمی‌ها در تنقیح کتب .**

**آن وقت اینجا یک نکته‌ای دارد دیگر حالا شرحش خودتان نگاه کنید اینجا ایشان دارد عن محمد بن خالد الطیالسی در کتاب صدوق اگر یادتان باشد وقتی خواندیم ایشان چهار طریق به کتاب علاء داشت عن محمد بن خالد عن العلاء آنجا اینطور داشت .**

**یکی از حضار : محمد بن خالد دو تا دارد .**

**آیت الله مددی : بخوان .**

**یکی از حضار : خود محمد بن خالد باز هم دارد .**

**آیت الله مددی : آنجا هم دو تا دارد .**

**یکی از حضار : همین را می‌خواهم عرض کنم دومی‌اش ماند و اخبرنا عن حسین بن عبید الله**

**آیت الله مددی : ابن غضائری پدر .**

**یکی از حضار : نسخه بدل دارد عن حسن بن عبید**

**آیت الله مددی : اشتباه است بله .**

**یکی از حضار : عن محمد بن علی بن الحسین**

**آیت الله مددی : ببینید شد صدوق با مفید این دو تا با مفید چون ابن غضائری 411 وفاتش است مفید 413 در یک زمانند مشایخ معروف و لذا گاهی شیخ از هر دو تعبیر می‌کند جماعة ، جماعة این دو نفر هم هستند بفرمایید .**

**یکی از حضار : عن ابیه عن علی بن سلیمان رازی کوفی**

**آیت الله مددی : این زراری باید باشد .**

**یکی از حضار : زراری نسخه‌ی بدل زراری هم دارد .**

**آیت الله مددی : اشتباه است .**

**یکی از حضار : عن محمد بن خالد عن العلاء بن رزین**

**آیت الله مددی : آن وقت از یک طرف دیگر مرحوم صدوق در صدوق هم همین طور آمده یعنی همین اسم‌ها آمده یعنی اینکه مرحوم شیخ دارد از صدوق نقل می‌کند در خود فقیه هم آمده محمد بن خالد عن علاء لکن وقتی طریق صدوق را به چیز نگاه می‌کنیم به ، این دیگر درش طیالسی ندارد فقط محمد بن**

**یکی از حضار : محمد بن خالد دارد**

**آیت الله مددی : ها محمد بن خالد دارد طریق صدوق را به محمد بن مسلم نه به علاء با اینکه شاگرد است همین طریق است لکن محمد بن خالد برقی است**

**یکی از حضار : عن ابیه محمد بن خالد عن العلاء بن رزین عن محمد بن مسلم و ما کان فیه**

**آیت الله مددی : شاید بعضی‌ها آمدند خیال کردند این محمد بن خالد هم که اینجاست این برقی است این خلاف ظاهر است این جزو نکات فنی کار است .**

**یکی از حضار : آنجا طیالسی ندارد .**

**آیت الله مددی : طیالسی ندارد اما باید تکلیفش ، با قرینه‌ی عبارت شیخ در فهرست باید مراد طیالسی باشد چرا چون مرحوم شیخ**

**اولا مرحوم شیخ صدوق از طریق برقی که نقل می‌کند منفرد است کسی دیگر از آن راه نقل نکرده است از محمد بن خالد برقی کسی دیگری نقل نکرده است ، آن نقلی هم که از محمد بن خالد برقی کرده همه نوه‌های برقی هستند ، اینجا نوه‌های محمد بن خالد نیست لذا خوب دقت کنید در این سند محمد بن خالد مراد طیالسی است علی خلاف القاعده اگر این نکته نبود می‌گفتیم محمد بن خالد البرقی حالا می‌خواهید آن سند را بیاورید سند برای**

**یکی از حضار : در صدوق سند سوم صدوق است چون صدوق دو بار از محمد بن خالد نقل می‌کند یک بار به واسطه‌ی رویت عن ابی و محمد بن الحسن رضی الله عنهما عن سعد بن عبدالله والحمیری جمیعا عن احمد بن محمد بن عیسی عن محمد بن خالد این ممکن است برقی باشد .**

**آیت الله مددی : نه خیر نه طیالسی است .**

**یکی از حضار : آخر بعدی‌اش این است و رویت عن ابی رضی الله عنه سومی عن علی بن سلیمان زراری**

**آیت الله مددی : عین همین است ، بله آن هم محمد بن خالد طیالسی است ،**

**یکی از حضار : اما آن اولی نبود .**

**آیت الله مددی : چرا چون مرحوم صدوق وقتی از محمد بن خالد برقی نقل می‌کند منفرد است کسی دیگری نداریم که نسخه‌ی علاء را از محمد بن خالد برقی نقل کند جز صدوق . آن نسخه هم که ایشان نقل می‌کند از خاندان ایشان است بیاورید و ما کان فیه عن محمد بن مسلم از محمد بن مسلم نه علاء**

**یکی از حضار : بله وقد رویت عن علی بن احمد**

**آیت الله مددی : این ببینید علی بن احمد بن عبدالله بن ، این نوه‌ی برقی است**

**یکی از حضار : عن ابیه عن جده .**

**آیت الله مددی : عن ابیه عن جده**

**یکی از حضار : باز دارد عن ابیه محمد بن خالد**

**آیت الله مددی : عن ابیه این ابیه عن جده احمد برقی پسر ، احمد برقی این فقط نزد صدوق است قمی‌ها هیچ کس این نسخه را نقل نکرده است هیچ جای دیگر هم غیر از صدوق نیامده است .**

**یکی از حضار : طریق اول علاء چرا نمی‌تواند محمد بن خالد برقی باشد این که احمد بن محمد بن عیسی است .**

**آیت الله مددی : باشد نه واضح است که مراد همان طیالسی است . ایشان چون محمد بن خالد اصلا احمد آن نسخه را نقل نکرده احمد همین نسخه‌ای است که محمد بن خالد طیالسی است . حالا چهارمی را هم بخوانید دیگر من نمی‌خواستم امشب معطل این بشویم .**

**یکی از حضار : سومی مانده**

**آیت الله مددی : بفرمایید ، گفت این چراغ روشن بود این بچه به دنیا می‌آمد گفت خاموش کنید شاید نیاید دیگر حالا ما می‌گوییم چراغ روشن است همین طور دارد طریق می‌آید .**

**یکی از حضار : محمد بن ابی الصهبان اخبرنا ابن ابی جید عن ابن الولید عن سعد بن عبدالله والحمیری عن محمد بن ابوالصهبان عن صفوان عن العلاء**

**آیت الله مددی : ببینید محمد بن ابو الصهبان قمی است تا این سند یعنی اولش ، اولش ابن ای جید بود ، اولش ابن ابی جید بود دیگر نه؟**

**یکی از حضار : بله .**

**آیت الله مددی : ابن ابی جید قمی است لکن بغداد آمده شیخ طوسی بغدادی است در بغداد از این قمی شنیده ، قمی می‌برد به قم تا محمد بن عبدالجبار ایشان هم قمی است خود محمد بن عبدالجبار هم قمی است بعد ایشان از صفوان که از عراق است حالا یا بغداد یا کوفه حالا بالاخره از بغداد و کوفه می‌برد به عراق و این بسیار مرد بزرگواری است محمد بن عبدالجبار این نسخه هم نسخه‌ی صحیحی است جای بحث ندارد عن العلاء و منها**

**یکی از حضار : خدمت شما عرض کنم که نقل‌های محمد بن خالد برقی خیلی زیاد است از محمد بن احمد بن عیسی**

**آیت الله مددی : زیاد دارد نه یکی**

**یکی از حضار : نسبت به این طیالسی .**

**آیت الله مددی : بله بیشتر دارد بله اما نمی‌خورد به برقی نمی‌خورد بفرمایید .**

**یکی از حضار : عرض شود که عن الصفوان عن العلاء و آخرش هم و منها روایة الحسن بن علی بن الفضال اخبرنا ابن ابی جید عن ابن الولید عن سعد والحمیری عن احمد بن محمد عن الحسن بن فضال نسخه بدل عن الحسن بن علی بن الفضال**

**آیت الله مددی : یکی است .**

**یکی از حضار : بله عن العلاء بن رزین .**

**آیت الله مددی : این نسخه‌ی فطحیه است در نسخی که ما الان در این قصه نگاه کردیم نسخه‌ی طیالسی نبود نسخه‌ی صفوان بود آن نسخ دیگر غالبا بودند نسخه‌ی این یکی هم حسن بن علی بن فضال هم نبود در این روایت واحده‌ای که ما الان از علاء خواندیم مقابله‌ی نسخ کردیم حالا ببینید کار شیخ چهار تا نسخه نوشته اما چه کار نکته‌ی فنی را دقت کنید اما ننوشته که آیا این چهارتا نسخه با هم اختلاف دارند یا ندارند ، ما عرض کردیم کار فهرستی ما هم یک نکته‌اش این است اصلا ، اختلاف این نسخ با همدیگر حالا نجاشی که خیلی اوضاع را خراب کرده رفته از راه ابن بطه اما مرحوم شیخ که چهار طریق نوشته و بعضش هم زیادند هیچ مقایسه نکرده است این به ذهن ما ایشان ذهنیت فهرستی‌اش را کنار زده فقط ذهنیت رجالی نگاه کرده است و اجازه ، اجازه را نگاه کرده است .**

**یکی از حضار : مگر اینکه در تهذیب آورده باشد .**

**آیت الله مددی : تهذیب ممکن است آورده باشد نه در همین حدیثی که آورد در تهذیب اختلاف داشتند نسخه‌ی صفوان غیر از نسخه‌ی آن یکی دیگر بود اختلاف داشتند اما نه اینکه مقارنه‌ی نسخ را با هم کرده باشد یکی را یک جا آورده دیگری را یک جا آورده است این کار یک کار چیز است حالا ببینید شما کتاب حسن بن سعید را بیاورید ترجمه‌ی حسن بن سعید .**

**یکی از حضار : تعجب این است که ایشان چرا در تهذیب شروع به علاء نکرده است .**

**آیت الله مددی : بله کتاب علاء نزدش نبوده عرض کردم شواهد آقای سیستانی هم می‌گفت به نظر ما شیخ طوسی یک کتابخانه‌ی کوچکی داشته شواهد همینطور است .**

**ایشان در کتابخانه‌ی کوچکی در اختیارش بوده اما متحیریم ایشان چرا از کتابخانه‌ی سید مرتضی که حدود هشتاد هزار جلد داشته در آن زمان از او استفاده نکرده این خیلی برای ما تعجب آور است با اینکه می‌گویند تا آخر عمر نزد سید مرتضی می‌رفته تا آخر با مرحوم سید مرتضی درس ایشان می‌رفته با تمام این احوال چطور شده از کتابخانه‌ی ایشان استفاده نکرده است اگر شیخ طوسی مستقیم از این مصادر ، مثلا کتاب سکونی مستقیم ، کتاب حلبی مستقیم ، کتاب علاء مستقیم خیلی امور ما الان فرق می‌کرد ، متاسفانه .**

**چرا چون آن بیشتر روی جنبه‌های به حساب کتاب شناسی بود و فهرستی بود ایشان بیشتر روی جنبه‌های رجالی سند درست است اجازه هست کافی است این خیلی مشکل است حالا شما حسن بن سعید را بخوانید .**

**یکی از حضار : حالا تا چراغ روشن است آخر روایت هم بخوانیم دیگر و قال ابن بطة عن علاء بن رزین اکثر روایة من صفوان ربطی به قبلش ندارد .**

**آیت الله مددی : اما ظاهرا کتاب صفوان بزرگ‌تر و بیشتر از کتاب است اولا صفوان یکی ندارد بیشتر از علاء بن رزین است اشتباه است یا العلاء بن رزین اکثر روایته من صفوان ، صفوان از ایشان نقل کرده است مگر این باشد .**

**یکی از حضار : فکر کنم چاپ آقا عزیز هم دوباره همین باشد .**

**آیت الله مددی : و الا روایت ، اکثر روایته عن صفوان ، اکثر من مثلا روی عنه صفوان این طوری باید باشد .**

**یکی از حضار : اکثر روایة عنه مثلا**

**آیت الله مددی : اها اکثر**

**یکی از حضار : شاید همین است یعنی در نسبت**

**آیت الله مددی : صفوان زیاد است درست است .**

**یکی از حضار : بیشترین نص**

**آیت الله مددی : این درست است این مطلب درست است این درست است این مطلب خوب حالا حسن بن سعید را بیاورید .**

**یکی از حضار : فقط یک سوال ، آن جلسه برای اینکه ضبط بشود بالاخره در فقیه که چهارتا طریق گفته الان کدامش روایت بر اساس کدام است چون این چهار تا نسخه‌ها با هم متفاوت است .**

**آیت الله مددی : بله این هم یک مشکلی است .**

**این را من در ضمن یک اشاره‌ای یک شب کردم اصلا یک نسخه‌اش برای صفوان است یعنی صفوان عن العلاء آن نسخه‌ی حسین بن سعید که در نوادر آمده بود صفوان بود آن وقت در نسخه‌ی شیخ صدوق هی علیه حرام تا اینجا بود در نسخه‌ی حسین بن سعید هی علیه حرام و هی ابنته والحرة والمملوکة اینها را در نسخه‌ی حسین بن سعید از صفوان داشت .**

**یکی از حضار : داشت ؟ اینجا نبود .**

**آیت الله مددی : چرا همین جا بود .**

**یکی از حضار : در فقیه نبود .**

**آیت الله مددی : چرا ، روی العلاء که دارد چهار تا طریق در مشیخه دارد یکی‌اش صفوان است معنای عبارت ایشان این است که این چهارتا یکی بودند اگر یکی بودند چرا ، همین صفوان را ما الان در کتاب حسین بن سعید داریم طولانی تر از نسخه‌ی صدوق است .**

**یکی از حضار : برای همین عرض می‌کنم می‌گویم این سوال بود که بالاخره این طرق الان چطور است که**

**آیت الله مددی : بله مشکل دارد دیگر نمی‌دانیم الان ما عرض کردم آن نسخه شناسی که آقایان دارند کار آسانی است نسخه‌های خطی مقابلشان است می‌شناسند این کار ما کار بسیار مشکلی است چون روی اجازات و اسانید داریم نسخ را حساب می‌کنیم این کار مشکلی است . الان دقیقا نمی‌دانیم آیا صدوق که گفته من نقل کردم از علاء به این چهار طریق یعنی تماما این چهار طریق در آن نقل مشترکنند یا نه کم و زیاد دارند مقداری مشترک بین چهار تا نقل هست تا مقدار مشترکش را آورده اما نقل صفوان زیادی دارد حسین بن سعید که نقل کرده زیادی دارد .**

**یکی از حضار : مشیخه طریق دوم از محمد بن ابی الصهبان عن صفوان است .**

**آیت الله مددی : می‌دانم خواندید ، چرا ملتفت شدم . خوب بفرمایید حالا حسن بن سعید در نجاشی بخوانید . ایشان برادر حسین بن سعید است ایشان می‌گوید کتاب‌ها را دو تا برادر نوشتند لکن به اسم حسین معروف شد و الا حسن به اصطلاح این را بخوانید الحسن بن سعید الاهوازی ، ایشان مرحوم نجاشی عنوانی برای حسین نگذاشتند بین ما موجود در محور روایات ما حسین بن سعید است نه حسن بن سعید است و لذا عرض کردیم محور روایات یک چیز است محور فهارس یک چیز است در محور فهارس حسن بن سعید آورده در محور ، البته شیخ به نظرم حسین بن سعید آورده مرحوم نجاشی ، بله بفرمایید .**

**یکی از حضار : در مدخل ، چطور می‌شود دو تا مدخل زدند به اعتبار اینکه دو تا ترجمه با هم آمده 137 – 136 الحسن بن سعید ابن حماد ابن المهران مولی علی بن الحسین علی بن الحسین علیه السلام**

**آیت الله مددی : این مهران مولی علی بن الحسین ، مهران اسم ایرانی است . یعنی این حسین بن سعید اصلشان ایرانی بودند جدشان به اصطلاح مولی و عبد حضرت سجاد بودند اها مهران ملتفت شدید ، این جور خوانده بشود حسین بن سعید بن حماد بن مهران مولی علی بن الحسین این مهران اسم هم واضح است فارسی است معلوم است حالت عبد دارد این جد اینهاست بفرمایید .**

**یکی از حضار : ابو محمد الاهوازی شارک اخاه الحسین**

**آیت الله مددی : خیلی خوب بروید تا بگویید بعد برویم جلو حالا آنها**

**یکی از حضار : آن که فرمودید بخوانم شارک اخاه الحسین فی الکتب الثلاثین المصنفة و انما کثر اشتهار الحسین اخیه لها**

**آیت الله مددی : ببینید المصنفة الثلاثین المصنفة .**

**البته مصنفه یک احتمال قوی دارد به خاطر اینکه عناوین دارد کتاب الصلاة ، کتاب الصوم این جوری مصنفه یعنی صنف ، صنف بود بعدش هم دارد وصنف الکتب الثلاثین .**

**یکی از حضار : بعد صحبتی در ... و اینها می‌کنند بعد می‌گوید و کتب ابنی سعید کتب حسنة معمول علیها**

**آیت الله مددی : حسنة ، خوب کتاب‌هایی است عمل هم به آن می‌شود یعنی این جوری نیست که روایاتش مثلا مخلط باشد و اینها اما اینکه معمول علیها همه‌اش نه معلوم نیست و الا صنف نمی‌گفتند . حسنة هم تعبیرش این است این تعبیر نگفت صحیح است اصولا نجاشی یک جای دیگر هم هست برای آن نسخه‌ی حضرت رضا احمد بن صدقه کیست همین که نسخه‌ی صحیفة الرضا را نقل می‌کند له صحیفة عن الرضا علیه السلام همین صحیفة الرضای معروف معروف‌ترین صحیفة الرضا را این شخص ، احمد بن صدقة ،**

**یکی از حضار : احمد بن ...**

**آیت الله مددی : اها احمد بن عامر ، بیاورید . نجاشی رحمه الله توثیقش نمی‌کند خیلی ظریف است کار نجاشی بفرمایید .**

**یکی از حضار : می‌گوید که و لقی الرضا**

**آیت الله مددی : پدرش لقی الرضا**

**یکی از حضار : لقی الرضا علیه السلام می‌گوید فلان ومات الرضا علیه السلام بطوس سنة کذا وشاهدت ابالحسن وابا محمد علیهما السلام وکان ابی مؤذنهما**

**آیت الله مددی : وکان ابی می‌گویم پدرش**

**یکی از حضار : پسرش**

**آیت الله مددی : بله و کان ابی مؤذن ابی محمد مرادش حضرت عسکری است ابو حسن هم حضرت هادی است .**

**یکی از حضار : پسرش دارد در مورد احمد نقل می‌کند**

**آیت الله مددی : پدرش**

**یکی از حضار : می‌گوید قال عبدالله ابن**

**آیت الله مددی : ها عبدالله بن نقل می‌کند راست است . ببینید این یک نحوه‌ی ادبی است در آن زمان بوده یک نحوه‌ی اسلوب ادبی است مثلا بخوانید ، عبارت را یک دفعه‌ی دیگر بخوانید وقال عبدالله ابنه عبدالله**

**یکی از حضار : عبدالله ابنه فی ما اجاز**

**آیت الله مددی : ببینید این عبدالله که گفت چون نجاشی از عبدالله نقل نمی‌کند سندش را به عبدالله این جوری می‌آورد فیما اجازنی**

**یکی از حضار : الحسن بن احمد بن ابراهیم .**

**آیت الله مددی : دقت کردید ؟ در وسط این طریقش به این عبدالله است ، که می‌خواهد بگوید که من می‌گوید قال عبدالله من از او نشنیدم این رسمشان این بوده قال فیما این را به عنوان یک جمله‌ی معترضه می‌آورند فیما اجازنی**

**یکی از حضار : فیما اجازنا الحسن بن احمد بن ابراهیم**

**آیت الله مددی : نمی‌شناسیم بله**

**یکی از حضار : حدثنا ابی قال حدثنا عبدالله قال**

**آیت الله مددی : ها ببینید اینجا این سندش به این عبدالله کلام عبدالله است از اول نگفت حدثنا این یک روشی بوده که قال عبدالله فیما اجازنی سند را در وسط می‌آورد به صورت ، معلوم شد به صورت جمله‌ی معترضه بفرمایید . بعد می‌گوید ولد ابی فلان البته انصافا مبهم دارد جهات حالا نمی‌خواهم وارد بحث علمی‌اش بشوم ، بعد ایشان می‌گوید له نسخة عن الرضا حالا نه ، این عبدالله باید 224 باشد 324 به نظرم وفاتش است پسر و مات عبدالله سنة 324 به نظرم این عبدالله با اینکه 324 است و زمان کلینی هم هست کلینی اصلا از او نقل نمی‌کند اصلا از این صحیفة الرضا نقل نمی‌کند کسی که از این زیاد نقل می‌کند مرحوم صدوق در عیون اخبار الرضاست . وفات عبدالله را به نظرم 324 نوشته یا ایشان نوشته یا اهل سنت یکی از این دو تا .**

**یکی از حضار : حالا خود ایشان در مورد پدرش می‌گوید که**

**آیت الله مددی : له نسخة عن الرضا علیه السلام ببینید نه توثیق پسر می‌کند نه توثیق پدر ، توثیق نمی‌کند چیزی راجع به جهت وثاقت آنها نمی‌نویسد . بفرمایید .**

**یکی از حضار : چطور خوانده بشود ، رفع الی هذه النسخ**

**آیت الله مددی : هذه النسخ**

**یکی از حضار : قبلش هیچ چیزی ندارد .**

**آیت الله مددی : بله می‌گوید این نسخه ، نسخه اصطلاحا مجموعه‌ای احادیثی بوده کراس هم به آن می‌گفتند له جزء عن الرضا له نسخة عن الرضا له کراس ، این اصطلاحات را دارند رفع الی هذه النسخة مجموعه‌ی روایاتی که فیما بعد اسمش را گذاشتند صحیفة الامام الرضا این غیر از طب الرضاست ها صحیفة الامام الرضا . بفرمایید .**

**یکی از حضار : رفع الی هذه النسخ نسخة عبدالله بن احمد بن عامر الطائی ها رَفَع الی هذه النسخ نسخة عبدالله بن احمد بن عامر الطائی ابوالحسن احمد بن محمد بن موسی الجندی شیخنا رحمه الله .**

**آیت الله مددی : ابن الجندی ، ابن الجندی استاد نجاشی هست اما استاد شیخ طوسی نیست ، ایشان شاگرد ابن عقده است ابن الجندی یعنی 401 وفاتش است شیخ طوسی ایشان را ندیده است اما استاد نجاشی هست بفرمایید .**

**یکی از حضار : بعد می‌گوید قراتها علیه ظاهرا اینجا دو نقطه باشد حدثکم ابوالفضل**

**آیت الله مددی : قراتها یعنی احتمالا خود مرحوم نجاشی من این نسخه را بر ابن جندی خواندم عرض کردم وقتی نسخه را قرائت می‌کردند حدثکم می‌گفتند وقتی سماع بود آن می‌خواند می‌گفتند حدثنا این فرق این قرئتها علیه من خواندم حدثکم**

**یکی از حضار : حدثکم ابوالفضل عبدالله بن احمد بن عامر قال حدثنا ابی قال حدثنا الرضا علی بن موسی علیه السلام .**

**آیت الله مددی : درست شد ؟ بعدش ؟**

**یکی از حضار : والنسخة حسنة .**

**آیت الله مددی : دقت کردید چه شد ؟ نه توثیق پسر می‌کند نه توثیق پدر می‌کند اما خود نسخه قشنگ است . ایشان هم می‌گوید له کتب حسنة دقت کردید در ابن سعید خیلی عجیب است ها .**

**یکی از حضار : از امام رضا 30 – 120 سال انگار فاصله است**

**آیت الله مددی : خوب دیگر می‌گوید قرب اسناد دارد دیگر ، چون 324 وفات پسر است . در آنجا ندارد به نظرم کتب اهل سنت دارد . احمد بن عامر بن سلیمان این مشهورترین نسخه‌ی صحیفة الرضاست شاید مجموعا هفتاد تا یا هشتاد تا من سند برای صحیفة الرضا دیدم.**

**یکی از حضار : ذهبی نقل کرده با یک توصیف از عنوان شروع کرده مدخل 4200 گفته عبدالله بن احمد بن عامر عن ابیه عن الرضا عن آبائه یعنی**

**آیت الله مددی : بنسخة موضوعة مثلا**

**یکی از حضار : بتلک النسخة الموضوعة الباطلة ما تنفک عن وضعه او وضع بی**

**آیت الله مددی : او وضع بی یا کار خودش است یا کار پدرش است . یک شعری هست معروف هر که افزون شد است مال و زرش زآسمان زر نریخته به سرش یا خودش دزد بوده یا پدرش ، حالا یک چیز دیگری هم دارد یک مصرعش هم من فراموش کردم . حالا پیدا بکنید یا خودش دزد بوده یا پدرش یا کار خودش بود یا پدرش بالاخره این نسخه باطل است همین نسخه‌ی باطل را نجاشی می‌گوید والنسخة حسنة روشن شد آقا ؟ همین نسخه‌ی باطل را نجاشی می‌گوید والنسخة حسنة بفرمایید .**

**این پسر عبدالله مات سنة 324 از عجایب است یعنی زمان کلینی است کلینی 329 وفاتش است کلینی اصلا از او نقل نمی‌کند خوب خیلی قرب اسناد دارد دیگر از ایشان از پدرش از حضرت رضا ، بقیه‌اش هم عن الرضا عن ابیه عن ابیه عن ابیه تا امیرالمؤمنین .**

**یکی از حضار : این دو سال آخر که کلینی بغداد بوده یعنی قم نبوده که دسترسی نداشته به او .**

**آیت الله مددی : نمی‌دانم ، نمی‌دانم این کجا بوده آن کجا بوده نمی‌دانم بفرمایید آقا .**

**حالا بفرمایید این نسخة حسنة غرض چون بعضی ملتفت نشدند این اشاره به این است که خود نجاشی می‌گوید من وضع این پدر و پسر را نمی‌دانم اما مطلب نسخه قشنگ است خوب است این صحیفة الرضا حالا این بحث صحیفة الرضا اگر خداوند یک وقتی حالی داد باید جداگانه متعرض بشوم که فعلا اصلا کلا حال ندارم اصلا از این بحث خارج بشویم .**

**یکی از حضار : یعنی کتابت و ظاهرش یا**

**آیت الله مددی : نه مطالبش قشنگ است خوب است مطالب حدیثی‌اش قشنگ است . ایشان می‌گوید تلک النسخة الباطلة .**

**یکی از حضار : شیخ طوسی ایشان را با این عنوان آورده عبدالله بن احمد بن عامر بن سلیمان طائی یکنی ابالقاسم له کتب منها کتاب القضایا والاحکام دیگر به این ماجرا اشاره‌ای ندارد در فهرست مدخل 444 .**

**آیت الله مددی : این کتابش را نشنیدم احتمالا کتاب قضایا و احکام را نقل کرده باشد از همان ابو رافع و اینها احتمالا آن الان خبر نداریم درست مطلع نیستیم یعنی الان اطلاعی الان در ذهنم حضور ذهن ندارم .**

**یکی از حضار : انصافا هم پر روایت است این آقا .**

**آیت الله مددی : نه دیگر عمده همین صحیفة الرضاست صدوق زیاد از او نقل می‌کند .**

**یکی از حضار : همه را از پدرش نقل کرده است .**

**آیت الله مددی : یکی از مشهورترین صحیفة الرضا همین است اصلا عرض کردم 70 یا 80 تا ما صحیفة الرضا داریم که از همه‌اش مشهورتر این است . که این حدیث اللهم ارحم خلفائی در همین است در یکی دو تا نسخه‌ی دیگر هم هست .**

**اهل سنت ابن رجب دیشب نقل کردم او از طریق به حساب خاندان علی بن از طریق پسرش عمر ، عمر بن علی اینها را اصطلاحا در انساب می‌گفتند السید العلوی العمری ، العمری العلوی آنها هستند اولاد عمر بن علی بن ابی طالب که به اصطلاح به او می‌گفتند عمر الاطرف به او اصطلاحا آن وقت یک عمر بن علی بن الحسین هم داریم حضرت سجاد آن چون مادرش هم شریف بود به او می‌گفتند عمر الاشرف، اطرف یعنی یک طرفش بزرگوار است ، آن پسر امیرالمؤمنین است به او می‌گفتند عمر الاطرف به این می‌گفتند عمر الاشرف در کتب انساب هر دویشان خاندان دارند هر دو عمرها خاندان دارند علوی عمر این مجدی هم از علوی عمری است دیگر صاحب مجدی کتاب قشنگی است مجدی خیلی خوب نوشته خیلی کتاب قشنگی است در قرن پنجم .**

**یکی از حضار : در عیون که نسبتا چند تا روایت پشت سر هم و بهذا الاسناد و بهذا الاسناد آورده حدیث مفصل سند اولی این شکلی است حدثنا ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن عامر السلیمان الطائی بالبصرة قال حدثنا ابی فی سنة ستین و مائتین این تاریخ‌ها را که می‌خواستید .**

**آیت الله مددی : بعید است صدوق از او مستقیم نقل کند .**

**یکی از حضار : نه مستقیم نیست نه بعدش این دو نفرش که**

**آیت الله مددی : این دو نفر نه اولش کیست اول صدوق**

**یکی از حضار : اولش این شکلی است که حدثنا ابوالحسن محمد بن علی بن الشاه الفقیه المروزی**

**آیت الله مددی : اصلا این نمی‌شناسیم بالمرة نمی‌شناسیم محمد بن علی الشاه المروزی سنی‌ها هم اسمش را ندارند شیعه‌ها هم ندارند. صدوق رفته این را از یک جایی پیدا کرده در مرو الردو پیدا کرده از او اجازه گرفته است یعنی کتاب خیلی گمنام بوده این گمنامی کتاب است این کتاب اگر می‌خواست خوب جا بیافتد کلینی از او نقل می‌کرد دیگر متعین این است .**

**مع ذلک نجاشی می‌گوید النسخة حسنة آن آقا می‌گوید النسخة الباطلة تلک النسخة البالطلة بفرمایید آقا . این کار ما این کار هست یعنی یک چیز تازه‌ای نیست .**

**یکی از حضار : فقط هم شیخ طوسی از ایشان دارد یعنی شیخ صدوق معذرت می‌خواهم از ایشان دارد اصلا**

**آیت الله مددی : الی آخره حالا بروید حسین بن سعید را بگویید من می‌خواهم آن تمام بشود چون یک نکته‌ای دارد .**

**یکی از حضار : له کتب بله .**

**آیت الله مددی : وصنف الکتب الثلاثین . حالا آقای آل طه ایشان کم آوردند شما می‌توانید بخوانید کتاب مقابلتان باشد .**

**یکی از حضار : من خیلی ترجمه‌های زیادی باز شده**

**یکی از حضار : حالا تا پیدا می‌کنند 80 تا طریق به صحیفة الرضا داریم**

**یکی از حضار : 80 تا صحیفة 80 تا خود صحیفه .**

**آیت الله مددی : نه 80 تا طریق است روات مختلفند .**

**یکی از حضار : طریق آقا روات مختلفند اما خود متنش را که نداریم .**

**آیت الله مددی : چرا مختلف ، داریم چرا عده‌ایش را داریم الان .**

**یکی از حضار : فوقش 6 -5 تا داشته باشیم .**

**آیت الله مددی : نه بیشتر داریم ، یکی‌اش آن محمد بن چیست ابن مهرویه‌ی قزوینی است ، یکی هم ابن کذاست این ها نسبتا مشهورند.**

**ده تا طریق مرحوم صاحب عوالی اللآلی دارد هیچ کدامش را نمی‌شناسیم این هم از جزو عجایب اسانید است من الباب الی المحراب مجهولند ، این هم جزو عجایب کار است . من الباب یعنی یکی شاید استادش است استاد استادش است بقیه را اصلا نمی‌شناسیم هیچ جا هم نیامده این اسماء منحصرا در اول عوالی اللآلی آمده ده تا طریق به کتاب من که می‌گویم هفتاد ، هشتاد تا اینطوری است قر و قاطی است خیلی قر و قاطی است با هم دیگر بفرمایید .**

**یکی از حضار : کتب حسنة معمول علیها وهی ثلاثون کتابا کتاب الوضوء ، کتاب الصلاة ، کتاب الزکاة**

**آیت الله مددی : الی آخره**

**یکی از حضار : و الی آخره ، اخبرنا بهذه الکتب غیر واحد من اصحابنا من طرق مختلفة کثیرة فمنها ما کتب الی**

**آیت الله مددی : این اجازه است به نحو کتابت یعنی اجازه دارد چون مرحوم ابن نوح اواخر عمر می‌رود بصره نجاشی در بغداد بوده معلوم می‌شود در بغداد از او اجازه نگرفته رفته در بصره به او نوشته آقا طرق خودت را برای کتب حسین بن سعید به من اجازه بده فیما کتب الی این فیما کتب از بصره و ابن نوح زمان شیخ هم زنده بوده ، شیخ هم از ایشان تقاضای اجازه نمی‌کند چون ابن نوح 409 وفاتش است ، 408 وارد بغداد شده می‌گوید چون به او مذاهب فاسده نسبت می‌دادند ایشان هم در بصره بود فلم یتفق للقائه ایاه او را ندیدم کالرؤیا مراد شاید از رؤیه یعنی انسان روز قیامت خدا را می‌بیند احادیث رویت را قبول کرده مثلا باید یک چنین چیزی باشد . نوشته مذاهب فاسده را به او نسبت دادند لذا من از او لم یتفق للقائه ولم اروی عنه بفرمایید ، آن وقت این نجاشی از بغداد به او می‌نویسد این اجازات را به او می‌دهد خوب دقت کنید ببینید چقدر ابن نوح ، این ابن نوح مثال بارز است برای مساله‌ی شیخ طوسی را دیدید چهار تا طریق آورده بود برای کتاب علاء این مثال بارز برای رجال است کار رجالی است این مثال بارز است برای کار فهرستی است ابن نوح چه می‌گوید ، می‌گوید و اما ما سالت مثل اینکه نه**

**یکی از حضار : تا آخرش می‌خواهید برویم خیلی سوال‌های**

**آیت الله مددی : خیلی خوب چاره‌ای نداریم .**

**یکی از حضار : کتب الی به ابوالعباس احمد بن علی بن نوح الصیرافی رحمه الله فی جواب کتاب اولئک ، والذی سالت تعریفه من ال**

**آیت الله مددی : تعریف یعنی**

**یکی از حضار : در جواب چه کسی نوشت ؟**

**آیت الله مددی : در جواب نجاشی ، تعریف یعنی آشنا بکنم برایت ذکر بکنم بیان بکنم تعریفه**

**یکی از حضار : فرمودید چون بصره بود نامه نوشت ؟**

**آیت الله مددی : بله چون بصره است خیلی جاها می‌گوید اخبرنا ابن نوح این جا نمی‌گوید اخبرنا چون معلوم می‌شود این به نحو مراسله بوده یا می‌گویند کتابت یا به نحو مراسله بوده بفرمایید .**

**یکی از حضار : می‌گوید من الطرق الی کتب الحسین بن سعید الاهوازی رضی الله عنه فقد روی عنه ابو جعفر احمد بن محمد بن عیسی الاشعری القمی و ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد البرقی والحسین بن حسن بن**

**آیت الله مددی : ابان . عرض کردم ابن سعید که می‌آید قم خانه‌ی حسن بن ابان وارد می‌شود حسین کتاب‌های ایشان را از او نقل می‌کند توثیق واضحی ندارد چون مهمان پدرش بوده قبول کردند در قم یکی از نسخ کتاب حسین بن سعید کتابی بوده که ایشان از مهمانش نقل می‌کند حسین بن حسن بن ابان بفرمایید .**

**یکی از حضار : و احمد بن محمد بن حسن السکن القرشی البردعی**

**آیت الله مددی : محمد بن حسن السکن القرشی البردعی این را اصلا نمی‌شناسیم .**

**یکی از حضار : و ابوالعباس احمد بن محمد الدینوری**

**آیت الله مددی : دینوری این را نوشته آنی که شاید شناخته بشود دینوری شناخته ، دینور همین اطراف همدان به اصطلاح بفرمایید .**

**یکی از حضار : کرمانشاه**

**یکی از حضار : این احمد بن محمد بن حسن**

**آیت الله مددی : نه کرمانشاه را قرمیسین می‌گفتند دینور خودش یک شهر مستقل است در اطراف ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : این احمد بن محمد بن حسن را نگاه کنم یا الان**

**آیت الله مددی : حالا مهم نیست حالا بخوانید .**

**یکی از حضار : فاما ما علیه اصحابنا والمعول علیه**

**آیت الله مددی : ببینید نسخه‌ی مشهور ببینید چقدر دقیق است . آن نسخه‌ای که کاملا مشهور و معروف است همان اولی است که احمد اشعری نقل می‌کند می‌گوید این نسخه خیلی مشهور است بعد طریقش را می‌آورد طریقش را به همین نسخه می‌آورد بعد**

**یکی از حضار : فاما ما علی اصحابنا والمعول علیه ما رواه عنهما آن جا گفته بود کتب حسین این جا می‌گوید عنهما**

**آیت الله مددی : حسین و حسن یعنی .**

**یکی از حضار : احمد بن محمد بن عیسی اخبرنا الشیخ الفاضل ابو عبدالله الحسین بن علی بن سفیان البزوفری**

**آیت الله مددی : این از جزو مشایخ بزرگ است ابو عبدالله الحسین بن علی بن سفیان البزوفری ایشان مرد بزرگی است ایشان از این راه همین اخیرا یادتان باشد دیشب بعضی روایات بود عن البزوفری بزوفری این بعضی‌هایش همین حسین است بعضی‌هایش یکی دیگر است ایشان اشتباه کرده است بفرمایید .**

**یکی از حضار : فیما کتب الی فی شعبان سنة اثنتین**

**آیت الله مددی : تازه می‌گوید آن هم اجازه نداده به من رسمی آن هم به نحو نامه دقت‌ها را دقت بکنید یک نامه‌ای به من داده اجازه داده است بفرمایید .**

**یکی از حضار : فیما کتب الی فی شعبان سنة اثنتین و خمسین و ثلاث مائة**

**آیت الله مددی : سیصد و پنجاه و دو .**

**یکی از حضار : قال حدثنا ابو علی الاشعری احمد بن**

**آیت الله مددی : ابو علی همان احمد بن ادریس**

**یکی از حضار : ابن احمد القمی قال حدثنا احمد بن محمد بن عیسی عن الحسین بن سعید بکتب ثلاثین کتابا .**

**آیت الله مددی : خیلی طریق صحیحی است خیلی بزرگان اصحاب هستند . خیلی قشنگ انتخاب کرده تاریخش را نوشته تاریخ اجازه را نوشته است بفرمایید . و اخبرنی ایضا**

**یکی از حضار : واخبرنی ابو علی احمد بن محمد بن یحیی العطار القمی**

**آیت الله مددی : از این عبارت معروف است که عده‌ای استفاده کردند توثیق احمد پسر محمد بن یحیی عرض کردم دو تا آقا زاده هستند یکی‌‌اش هم ایشان است پسر محمد بن یحیی ایشان چون گفته طریق مشهور این است بعد اسم ایشان را آورده و ابو علی ، احمد بن محمد بن یحیی . اما فرقش این است بزوفری را خیلی با احترام اسم برده بخوانید اخبرنا البزوفری بگویید ابو عبدالله .**

**یکی از حضار : اخبرنا الشیخ الفاضل ابو عبدالله .**

**آیت الله مددی : الشیخ الفاضل ابو عبدالله بزوفری اینجا می‌گوید واخبرنا ابو علی احمد بن دیگر شیخ و فاضل و اینها را نمی‌گوید لکن نسخه چون یکی بوده از این جهت آورده است عده‌ای از این عبارت توثیق فهمیدند من به نظرم توثیق در نمی‌آید به این دو تا فرق گذاشته آنجا یک جور اینجا یک جور بعید است از این عبارت توثیق در بیاید بفرمایید ، احمد بن محمد یحیی عن ابیه**

**یکی از حضار : قال حدثنا ابی و عبدالله بن جعفر الحمیری وسعد بن عبدالله جمیعا عن احمد بن محمد بن عیسی**

**آیت الله مددی : الاشعری عن همین آقای چیز به اصطلاح**

**یکی از حضار : بقیه‌اش را ندارد دیگر**

**آیت الله مددی : بعدش**

**یکی از حضار : واما ما رواه احمد بن محمد بن خالد البرقی فقد حدثنا ابا عبدالله محمد بن احمد الصفوانی**

**آیت الله مددی : صفوانی هم توثیق شده از اجلاء است اما عجیب است ایشان برای شیخ و فاضل عنوان نمی‌کند یکی از روات معروف کتاب کلینی هم صفوانی است ایشان**

**یکی از حضار : سنة اثنتین**

**آیت الله مددی : چند ؟**

**یکی از حضار : اثنتین وخمسین و ثلاث مائة بالبصرة**

**آیت الله مددی : آها معلوم شد صفوان آن وقت بصره بوده بله . صفوانی از چه کسی نقل می‌کند ؟**

**یکی از حضار : قال حدثنا ابو جعفر محمد بن جعفر البطة المودب**

**آیت الله مددی : رسید به ابن بطة**

**یکی از حضار : قال حدثنا احمد بن محمد بن خالد البرقی عن الحسین بن سعید بکتبه جمیعا**

**آیت الله مددی : رسید به ابن بطة حالا دقت کردید دو تا طریق همین جور تا آخری آن دینوری را بیاور ، آخرش .**

**یکی از حضار : باز برای احمد بن محمد بن خالد یکی دیگر هم نقل می‌کند بعد می‌رود حسین بن حسن بن ابان قمی را می‌گوید برای او هم دو تا طریق نقل می‌کند می‌گوید و اما احمد بن آها آن احمد بن محمد بن حسن را هم نقل می‌کند آخرش می‌گوید واما ابوالعباس دینوری فقد اخبرنا الشریف ابو محمد الحسن بن حمزة بن علی**

**آیت الله مددی : با اینکه این حسن بن حمزة این طبری مرعشی چند بار اسمش را ، خیلی مرد بزرگواری ایشان از راه این مرعشی نقل می‌کند حسن بن حمزه بله .**

**یکی از حضار : فیما کتب الینا ان ابالعباس احمد بن محمد الدینوری حدثه عن الحسین بن سعید بکتبه وجمیع**

**آیت الله مددی : اما خیلی عجیب است به دو واسطه به حسین خیلی زیاد است . یعنی خود ابن نوح تعجب می‌کند که چطور حسن بن حمزة به یک واسطه از حسین بن سعید نقل می‌کند . عند منصرفه من الحج**

**یکی از حضار : عند منصرفه من زیارة الرضا علیه السلام ایام جعفر بن الحسن الناصر بآمل الطبرستان سنة ثلاث مائة صد سال را با دو تا طبقه رد کرده است .**

**آیت الله مددی : این پسر ناصر کبیر است . بفرمایید .**

**یکی از حضار : ناصر کبیر ؟ ناصر اطروش ؟**

**آیت الله مددی : پسرش جعفر بن ، وقال**

**یکی از حضار : وقال حدثنی الحسین بن سعید الاهوازی بجمیع مصنفاته .**

**آیت الله مددی : حالا بعد خود ابن نوح تعلیق می‌زند .**

**یکی از حضار : قال ابن نوح و هذا طریق غریب لم اجد**

**آیت الله مددی : اها لم اجد خیلی عجیب است**

**یکی از حضار : اله چاپ شده ظاهرا لم اجد له ثبتا باید باشد .**

**آیت الله مددی : ثَبَتا باید باشد من در فهرست‌ها می‌گوید من جایی ندیدم در این ، ما هم الان نداریم دینوری ما هم الان نداریم .**

**یکی از حضار : من اشتباه نمی‌کنم چون این جوری که چاپ شده لم احدله است ولی ظاهرا لم اجد له باشد .**

**آیت الله مددی : باید لم اجد له باشد بله . واضح است روشن شد ؟ خیلی دقیق است ها می‌گوید این یک طریق غریبی است که الان همین طریق حسن بن حمزه به من گفت و این هم خیلی عجیب است ما هم تعجب می‌کنیم نه اینکه فقط او تعجب کرده است .**

**یکی از حضار : بعد ایشان لم اجد له ثبتا الا قوله رضی الله عنه**

**آیت الله مددی : یعنی حسن بن حمزه قوله حسن بن حمزه**

**یکی از حضار : اینجا دو نقطه آمده احتمالا این هم اشتباه تایپی شده چون بعدش این است که می‌گوید فیجب ان تروی عن**

**آیت الله مددی : ببینید دقت کنید این تمام آن عبارت ، فیجب ان تروی عن کل نسخة**

**یکی از حضار : من هذا بما رواه صاحبها فقط .**

**آیت الله مددی : چقدر در فهرست دقیق است .**

**یکی از حضار : ولا تحمل روایة**

**آیت الله مددی : علی روایة**

**یکی از حضار : ولا نسخة**

**آیت الله مددی : علی نسخة**

**یکی از حضار : لعلا یقع فیه اختلاف .**

**یکی از حضار : یعنی هر نسخه را با خود همان نسخه**

**آیت الله مددی : ها نسخه‌ی احمد اشعری یک طرف نسخه‌ی احمد برقی یک طرف نسخه‌ی حسین ، خیلی عجیب این فهرست است دائما می‌گویند فهرست چیست . من یک مثال زدم که کاملا محسوس بشود کار شیخ رجالی بود چهار تا نسخه برای کتاب علاء نقل کرد اسم هم برد اما نگفت که در حین نقل مواظب باشید ابن نوح چقدر دقیق است می‌گوید فیجب ان تروی کل نسخة خیلی عجیب است عن صاحبها . آن وقت مشکل ما کجا شد الان شیخ وقتی از حسین بن سعید نقل می‌کند نمی‌گوید از کدام نسخه است .**

**یکی از حضار : عین این عبارت در نجاشی چند جا دارد آن تکه‌ی آخر .**

**آیت الله مددی : این تکه‌ی آخری ایشان دارد اما الان عین این عبارت در ذهنم الان حضور ذهن ندارم آن وقت من نجاشی را یک دوره‌ی کامل کامل ندیدم خیلی دیدم آقای ابطحی می‌فرمودند نقل بکنند می‌فرمودند آقای آسید محمد علی ابطحی که شرح تهذیب نوشتند مقاله نوشتند فرمودند من مجموعا 26 یا 27 بار نجاشی را از اول تا آخر دیدم خود ایشان به من گفت ، گفت با عناوین مختلف مثلا می‌خواستم ببینم چند تا احمد بن محمد بن یحیی است چند تا فلان است می‌گفت از اول تا آخرش ، من تقریبا از اول تا آخر کامل الزیارات را دو سه بار دیدم به خاطر بعضی اسانید لکن سریع نه اینکه همه‌ی روایات را بخوانم آقای ابطحی به من می‌گفتم من 26 یا 27 بار این کتاب نجاشی را از اول تا آخر خواندم .**

**همیشه عرض می‌کنم بعضی از این آقایان اصفهانی‌ها خیلی در مفردات کار کردند این شاگردان آقای بروجردی در مفردات خیلی کار کردند این مراد من از مفردات این است خیلی کارهای این جوری کردند خیلی دقیق کار کردند بله آقا ؟**

**یکی از حضار : این عبارت را من چون می‌خواهم تصحیح بشود دارد ضبط می‌شود ، این هم احتمالا اشتباه تایپی شده باشد که چرا این طوری چاپ شده لم اجد له ثبتا را که بگذریم الا قوله رضی الله عنه دو نقطه فیجب ان تروی**

**آیت الله مددی : نه بابا**

**یکی از حضار : برای ابن نوح باید باشد درست است ؟**

**آیت الله مددی : الا قوله تمام شد یعنی قول آن آقا حسن بن حمزه**

**یکی از حضار : تمام شد و یجب اینجا عبارت ابن نوح می‌شود .**

**آیت الله مددی : اینجا عبارت ابن نوح است . خیلی عجیب است این عبارت یعنی دو تا من مطلب کتاب برای شما آوردم که کار فهرستی را هم برای شما کاملا دیگر روشن شد و چقدر ما الان مشکل داریم .**

**یکی از حضار : ویجب ان تروی عن کل نسخة من هذا بما رواه صاحبها فقط**

**آیت الله مددی : ببینید فقط**

**یکی از حضار : ولا تحمل روایة علی روایة ولا نسخة علی نسخة لعل یقع علی فیه اختلاف**

**آیت الله مددی : خیلی عجیب است یعنی این نسخه در نسخه‌ی حسین بن حسن بن ابان این طور است در نسخه‌ی احمد اشعری این طور است در نسخه‌ی احمد برقی این طور است اینها باید یکی یکی نسخه‌ها را نسبت بدهید این راه توسط شیخ از بین رفته رحمه الله برحمته گفت که خود آسان بشد و کار مرا مشکل کرد ، گفت قرة العین من آن میوه‌ی دل یادش باد ، که خود آسان بشد و کار مرا مشکل کرد آن که الان مشکل درست شده این است حتی صدوق هم ندارد چرا صدوق چون سند کامل می‌آورد ممکن است نظرش به نسخه باشد اما شیخ ابتدا می‌کند به اسم حسین بن سعید و کدام نسخه است مخصوصا چون یک نسخه‌ی غریبی هم بوده این شبهه گاهی پیدا می‌شود که شاید این نسخه‌ی غریب در بازار بوده چون حسن بن حمزه‌ی طبری جزو علمای بزرگ است بغداد آمده شاید این نسخه در بغداد متعارف شده که ابن نوح می‌گوید من اصلا این نسخه را نمی‌شناسم این طریق غریبی است اصلا هیچ راه دیگری ما برایش نداریم و انصافا هم عجیب است حسن بن حمزه از قول آن دینوری که نمی‌شناسیم از قول حسین بن سعید واقعا هم عجیب است سند عجیبی است این را ما دیگر حالا امشب دیگر به همین مقدار اکتفا می‌کنیم .**

**یکی از حضار : در طرق شیخ این نیست .**

**آیت الله مددی : در طرق شیخ این نیست از این چهارتا آن چهارتای دیگر این پنج تا طریق است ننوشته نجاشی پنج تا من شمردم مجموعا پنج تا طریق است پنج نسخه را مرحوم ابن نوح به نجاشی اجازه می‌دهد لکن خیلی عجیب است لکن اجازه که به ایشان می‌دهد می‌گوید به شرطی به تو اجازه می‌دهم که از هر نسخه‌ای از صاحب همان نسخه نقل بکنی اسم ببری این در اجازه می‌آوردند عرض کردم در اجازه عده‌ای از قیود را می‌آوردند به این شرط من به شما این اجازه را می‌دهم اسم آن نسخه را ببری .آن وقت هم شیخ در مشیخه بیاورید وما کان فیه عن**

**یکی از حضار : و ما ذکرت فی هذا الکتاب عن الحسین بن سعید فقد اخبرنی به الشیخ ابو عبدالله**

**آیت الله مددی : مرحوم شیخ مفید**

**یکی از حضار : والحسین بن عبیدالله واحمد بن عبدون کلهم عن احمد بن محمد بن الحسن بن الولید عن اخیه**

**آیت الله مددی : این از احمد ابن الولید است پسر ابن الولید است در آن ها نبود . از پسر ابن الولید است همین که گفتم آمده بغداد . احمد بن محمد ، گفتم دو تا احمد بن محمد داریم آقازاده هستند هر دو توثیق روشنی ندارند این پسر ابن الوید .**

**پسر ابن الولید استاد مفید است ، پسر محمد بن یحیی استاد صدوق است صدوق از او نقل می‌کند .**

**یکی از حضار : عن ابیه محمد بن حسن بن الولید واخبرنی به ایضا ابوالحسین ابن ابی جید القمی**

**آیت الله مددی : عن ابن الولید**

**یکی از حضار : عن محمد بن الحسن بن الولید عن الحسین**

**آیت الله مددی : این دو تا فرقش این است خوب دقت کنید یکی قرب اسناد دارد یعنی یک دفعه به دو واسطه از ابن الولید نقل می‌کند مفید، پسر ابن الولید ، ابن الولید . یک دفعه به یک واسطه ابن ابی جید و ابن الولید .**

**یکی از حضار : عن الحسین بن حسن بن ابان عن الحسین بن سعید .**

**آیت الله مددی : این همان نسخه‌ای است که عرض کردم خیلی وضع روشنی در قم نداشته چون خود حسین بن حسن بن ابان خیلی توثیق این همان نسخه‌ای است که گفتم گفته مهمان پدرم بود حالا می‌خواهید حسین**

**یکی از حضار : این فهرست شیخ طوسی است**

**آیت الله مددی : که چه ؟**

**یکی از حضار : انه قال ابن الولید اخرجها الینا حسین بن حسن بن ابان بخط حسین بن سعید وذکر انه کان ضیف ابیه به خط حسین است.**

**آیت الله مددی : همین به خط ، خوب به خط حسین است ادعای پسر است اگر نمی‌شناخته مشکل دارد دیگر .**

**یکی از حضار : این در طریق اولی است که در شیخ آمده ، اخبرنا بکتبه وروایاته فهرست شیخ ، ابن ابی جید القمی**

**آیت الله مددی : این نسخه‌ای است که ایشان آورد مرحوم ابن نوح آورد به عنوان نسخه‌ی حسین بن حسن بن ابان این نسخه را ذکر کرد ابن نوح**

**یکی از حضار : عن محمد بن الحسن عن الحسین بن حسن بن ابان عن الحسین بن سعید قال ابن الولید و اخرجها الینا الحسین بن الحسن بخط الحسین بن سعید و ذکر انه کان ضیف ابیه**

**آیت الله مددی : حالا آن ضیف ابیه احتیاج به گفتن ، احتیاج به ذکر نداشت خوب در قم مشهور بود که مهمان آن آقاست دیگر خیلی ، نمی‌خواست بگوید ایشان گفت پسر گفت قطعا این ، اما اینکه این خط خود حسین است این شاهد می‌خواهد . بفرمایید .**

**یکی از حضار : خوب اگر واقعا نسخه دستش باشد و دیده باشد خوب خیلی ارزش می‌رود بالاتر**

**آیت الله مددی : بله اگر ثابت بشود خط حسین است .**

**یکی از حضار : بعد ایشان می‌گوید و رواه ایضا محمد بن الحسن بن ولید عن محمد بن الحسن الصفار عن احمد بن محمد عن الحسین بن سعید**

**آیت الله مددی : این هم گفت آن آقا گفت ابن نوح گفت این نسخه‌ی احمد اشعری است ، دو تا نسخه مرحوم شیخ طوسی در مشیخه نام می‌برد . یکی نسخه‌ی احمد اشعری یکی نسخه‌ی حسین بن حسن بن ابان اما در مقام نقل تفریق نمی‌گذارد و از آن طرف هم چیزهایی نقل می‌کند که بقیه نقل نکردند مثل همین روایت زراره که دیشب ، این توجیهی که ما دیشب برای روایت زراره کردیم نه اینکه ما رد این توجیه ، به هر حال باید روی این فکر بشود چرا چنین روایتی را بزرگان قم نیاوردند اصلا کلا ، حالا آن توجیهات من می‌خواهد درست باشد ، من دنبال اثبات توجیه خودم نیستم این مشکل هنوز برای ما هست مشکل .**

**یکی از حضار : آخرین طریق هم بخوانم واخبرنا واحدة من اصحابنا عن محمد بن علی بن الحسین فهرست شیخ طوسی عن ابیه**

**آیت الله مددی : عن محمد بن علی یعنی جماعة من اصحابنا همین چون مرحوم شیخ صدوق که می‌آید بغداد 352 یا 353 عده‌ای از علمای بغداد که جوان بودند مثل شیخ مفید یا ابن غضائری از او اجازه می‌گیرند شیخ طوسی از آنها اجازه می‌گیرد شیخ طوسی از آن عده از شیخ طوسی عن ابیه صدوق پدر**

**یکی از حضار : و محمد بن الحسن و محمد بن**

**آیت الله مددی : محمد بن الحسن ابن الولید**

**یکی از حضار : و محمد بن موسی بن**

**آیت الله مددی : محمد بن موسی بن المتوکل توثیق روشنی ندارد ادعاهایی یعنی شواهدی بر توثیقش جمع کردند .**

**یکی از حضار : عن سعد بن عبدالله والحمیری عن احمد بن محمد بن عیسی عن الحسین بن سعید .**

**آیت الله مددی : همان نسخه‌ی احمد اشعری است ، شیخ این را طریق سوم قرار داده از همان طریق است .**

**یکی از حضار : در فهرست طریق دوم است جسارتا**

**آیت الله مددی : بله آقا ؟**

**یکی از حضار : یعنی در کل طریق سوم شیخ می‌شود و الا در فهرست این دو تاست فقط**

**آیت الله مددی : همین دو تا ؟**

**یکی از حضار : بله .**

**آیت الله مددی : هر دو به احمد برمی‌گردد ؟**

**یکی از حضار : نه یکی‌اش همان بود که**

**آیت الله مددی : حسین بن حسن ، ببینید مرحوم ابن نوح چقدر دقیق است پنج تایش کرد ، احمد و بعد ابوالعباس دینوری و بعد احمد برقی و اینها را اصلا مرحوم شیخ طوسی نیاورده و این دقتی است که مرحوم ابن نوح داشتند این بحث فهرستی الان فکر می‌کنم دیگر کاملا دارد روشن می‌شود که این اگر این کار شده بود خیلی الان وضع حدیث ما بهتر بود چرا نشد چون وقتی حدیث آمد به بغداد جنبه‌های فقهی و تلقی فقهی غلبه پیدا کرد دیگر روی جنبه‌های حدیثی حالا اختلاف حدیث کم و زیاد فتوا چه بود بین اصحاب مخصوصا شیخ عظمت شیخ از یک طرف شیخ مفید هم در مقنعه عده‌ای از آن فتاوا را دارد سید مرتضی هم از آن فتاوا دارد ادعای اجماع این فتاوا**

**لذا من همیشه عرض کردم فرهنگ فتوایی ما برای بغداد است ، فرهنگ حدیثی ما برای قم است تلقی حدیثی ما برای قم است و علی راسهم شیخ صدوق و فرهنگ فقهی ما که تا هنوز هم حاکم است برای بغداد است و علی راسهم شیخ طوسی نه سید مرتضی و نه شیخ مفید .**

**و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین**